

بازخوانی یک گزارش

مدرسه هوشمند

بر نظام معیار اسلامی^۲ است. لذا باید هر چه زودتر به این اندیشید که هزینه‌ای که برای تجهیز مدرسه‌ها به فاوا اختصاص یافته است، به قابلیت مصرف در تعلیم و تربیت برسد.

باید ببینیم، هدف ما از تجهیز مدرسه‌ها به فاوا چه بوده است. آیا داشتن همه این تجهیزات نشانه آن است که مدرسه‌های ایران در وضعیتی رو به جلو حرکت می‌کنند؟ اگر برنده شدن دانش‌آموزان ما در المپیادها می‌تواند نماد پیشرفت آموزش و پرورش عمومی کشور باشد، می‌توان درباره مدارس هوشمند نیز چنین تصویری کرد.

حال مدارس هوشمند باید خوب شود. معلمان ما باید از مهاجران دنیای دیجیتال به شهروندان این دنیا تبدیل شوند. پاره‌ای تحقیقات که در دانشگاه‌های ایران انجام می‌شوند، برای آموزش و پرورش کشور مفید نیستند. این روزها فراوان با تحقیقاتی روبه‌رو می‌شویم که درباره نگرش معلمان و دانش‌آموزان مدرسه‌های هوشمند و درباره تأثیر این مدرسه‌ها بر متغیرهای گوناگون انجام شده است. معلمی که خود در این وادی نیست یا دانش‌آموزی که در این حوزه اطلاعاتی ندارد، نظرش معیار کدام تصمیم‌گیری می‌تواند باشد؟ البته در کنار این‌ها باید از مجموعه‌ای از معلمان خلاق و مبتکر کشور هم یاد کرد که خود دست به کار شده‌اند و برای هم‌افزایی دانش خود در حوزه فاوا به ابتکاراتی دست می‌زنند. آن‌ها از گوشه و کنار ایران دست در دست هم گذاشته و برای تعالی مدرسه خود و افزودن دانش خویش همت گماشته‌اند.

یک بار دیگر در همین یادداشت‌های کوتاه آورده بودم که اگر قرار است در حوزه فاوا و آموزش، منابع خود را هدر ندهیم، باید از معلمان پیشرو در این حوزه که دیگر نمی‌توان گفت اندک‌اند، بهره بگیریم. اکنون نیز در سال جدید تحصیلی بار دیگر می‌گوییم: معلمان را دریابیم. آنان کلید تحول در این حوزه هستند. می‌ترسم دیر شود. چند بار می‌خواهیم سند راهبردی برای توسعه فاوا بنویسیم؟ اکنون دیگر وقت عمل است، عملی که پیشروان آن گام‌هایی برداشته‌اند. می‌ترسم زمان بگذرد و ما در میانه راه بمانیم.

ای دریغ و حسرت همیشگی

ناگهان

چه قدر زود

دیر می‌شود!

(قیصر امین‌پور)

پی‌نوشت

۱. آمارها برگرفته از مقاله زیر است:

Yin, L. S. (2013). Digitalizing the Malaysian classroom: Barriers, Insights and Feasibility. Journal Pengajian Media Malaysia, 15 (1)

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل راهبردهای کلان.

مفهوم مدرسه هوشمند نخستین بار در سال ۱۹۹۷ توسط وزارت آموزش و پرورش مالزی، به عنوان یکی از طرح‌های عظیم توسعه فاوا در مالزی مطرح شد. در سال ۲۰۱۳، یعنی پس از گذشت ۱۶ سال از اجرای این طرح، وزارت آموزش و پرورش مالزی گزارش داد که علی‌رغم هزینه شش میلیارد رینگیت (معادل تقریبی شش هزار میلیارد تومان) برای توسعه طرح مدرسه هوشمند، هزینه و فایده این طرح با یکدیگر تناسب ندارد؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۲، حدود ۸۰ درصد معلمان مالزیایی، کمی کمتر از یک ساعت در هفته از فاوا در تدریس استفاده کردند.

از سوی دیگر، در مالزی این روزها طرح‌های دیگری مطرح می‌شوند که البته سابقه اجرا در کشورهای دیگر را دارند. با ورود تبلت‌ها به بازار مصرف و امکانات و قابلیت‌های آن‌ها، طرح استفاده از تبلت در مدرسه مطرح شده است. شعارهایی مانند «هر دانش‌آموز یک تبلت» را می‌توان در کشورهای گوناگون شنید. در سال ۲۰۱۲ دولت کنیا پیشگام این طرح شد و به کمک شرکت «سامسونگ» کره جنوبی، طرح مدرسه هوشمند سامسونگ را اجرا کرد. براساس این طرح، هر دانش‌آموز تبلتی خواهد داشت و تمام امور آموزش به کمک نرم‌افزار مدرسه هوشمند سامسونگ انجام می‌شود. دانش‌آموزان این مدرسه‌ها به تبلت‌هایی با اندازه ۷ تا ۱۰ اینچ لمسی دسترسی دارند. در این تبلت‌ها، کتاب‌های دیجیتالی و سایر مواد آموزشی مانند ویدیو، و پویانمای پرسش‌های درسی وجود دارند. این طرح در سایر کشورها مانند روسیه و آمریکا نیز هست. در پاره‌ای کشورهای دیگر نیز طرح‌های مشابهی اجرا می‌شوند.^۱

ما نیز با توجه به اینکه در سال‌های اخیر به توسعه کمی مدارس هوشمند توجه داشته‌ایم، اینک باید با توجه به اینکه آموزش و پرورش ایران در توسعه مدارس هوشمند، پای خود را جای پای آموزش و پرورش مالزی گذاشته است، به نتایج گزارش‌ها و تحقیقات این طرح در مالزی و سایر کشورها توجه کنیم و هزینه‌ها را به گونه‌ای صرف کنیم که به بازده متناسبی دست یابیم. منابع مادی و انسانی کشور محدودند و برای تخصیص بودجه به بخش‌های گوناگون، باید منطق و قاعده‌ای استوار داشت.

تجهیز مدرسه‌ها به امکانات پیشرفته فاوا می‌تواند به پیشبرد پاره‌ای اهداف مدرسه کمک کند، اما اگر این امر در قالب چارچوبی منطقی و علمی قرار نگیرد، راه را برای هر پیشرفت دیگری در آموزش و پرورش خواهد بست.

اساس سند تحول در این حوزه «بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی